

فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۳، شماره ۳ (پیاپی ۴۴)، پاییز ۱۳۹۷
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۵۴۳-۵۵۶

نقش مقاومت‌سازی مسکن روستایی در زیست‌پذیری روستاها (مطالعه موردی: دهستان مهرویه)

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
حبیب لطفی مهرویه - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران
مهدی پورطاهری - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
رضا طالبی فرد* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۷

چکیده

زیست‌پذیری به مجموعه‌ای از شرایط موردنیاز جهت زندگی مناسب افراد در یک محدوده معین اطلاق می‌شود که موجبات آسایش، رفاه و رضایت ساکنانش را برای مدت‌زمان طولانی فراهم می‌سازد. یکی از بسترها و زمینه‌ها در حوزه زیست‌پذیری، مسکن می‌باشد؛ مسکنی که باید مکانی سالم را برای یک شیوه زندگی هدفمند و مولد افراد به وجود بیاورد. در این میان مسکن روستایی، تجلی‌گاه شیوه‌های زیستی، معیشتی و نهایتاً نیروها و عوامل مؤثر محیطی و روندهای اجتماعی - اقتصادی تأثیرگذار در شکل بخشی به آن‌ها است. پژوهش حاضر به دنبال تحلیل نقش مقاومت‌سازی مسکن در زیست‌پذیری روستاها می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. محدوده مورد مطالعه، روستاهای مهرویه پایین، مقرب، بلوچ‌آباد، تلمبه عشایری محمدی سرلک و گلدسته از توابع دهستان مهرویه واقع در بخش مرکزی شهرستان فاریاب، استان کرمان می‌باشد و تعداد ۲۵۱ خانوار با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که مقاومت‌سازی سبب ارتقاء زیست‌پذیری دهستان مهرویه شده است و تأثیراتی همچون افزایش تمایل به ماندگاری در روستا و جلوگیری از مهاجرت به شهرها، احداث مسکن مهندسی ساز با مترآزهای محدود برای خانوارهای روستایی، ایجاد آرامش روحی روانی، ارتقاء سطح اجتماعی، ارتقاء امنیت جانی در زمان حوادث غیرقابل پیش‌بینی از جمله زلزله را در پی داشته است. علاوه بر آن، امکان افزایش ارزش افزوده دارایی شخصی روستاییان، امکان افزایش هم‌دلی و رشد استعدادهای اعضای خانواده‌ها، رضایت‌مندی روستاییان، ایجاد اشتغال برای افراد ساکن در روستا، تغییر چهره روستا از بافت فرسوده به معماری نوین و ... از جمله دیگر موارد است.

واژگان کلیدی: مسکن روستایی، زیست‌پذیری، مقاومت‌سازی، دهستان مهرویه

نحوه استناد به مقاله:

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا لطفی مهرویه، حبیب، پورطاهری، مهدی، طالبی فرد، رضا. (۱۳۹۷). نقش مقاومت‌سازی مسکن روستایی در زیست‌پذیری روستاها (مطالعه موردی: دهستان مهرویه) مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۳ (۳)، ۵۴۳-۵۵۶.
http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_545182.html

مقدمه

زیست‌پذیری مفهومی کلی است که با برخی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر همچون پایداری، کیفیت زندگی، کیفیت مکان و اجتماعات سالم مرتبط است (Norris & Pittman, 2000). واکاوای منابع متعدد نشان می‌دهد که تاکنون تعریف روشن و واحدی از مفهوم زیست‌پذیری ارائه نشده است (Leby & Hashim, 2010). در فرهنگ‌نامه انگلیسی آکسفورد واژه زیست‌پذیری^۱ به صورت "مناسب برای زندگی، قابل سکونت، قابل تحمل" و مواردی از این قبیل آمده است (Oxford, 2005). ویلر بر این باور است که واژه زیست‌پذیری به صورت فزاینده به منظور توصیف شرایطی به کار می‌رود که ارتباط مستقیمی با کیفیت زندگی دارد و همچنین برای رفاه درازمدت مردم و جوامع از اهمیت زیادی برخوردار است. از دیدگاه وی، وجود چنین شرایطی به ایجاد محیط‌هایی دلپذیر جهت زندگی در محل زندگی کمک می‌نماید و در مقابل نبود این شرایط، زندگی را بسیار دشوار می‌سازد (Wheeler, 2001)؛ بنابراین مفهوم زیست‌پذیری به مجموعه‌ای از شرایط مورد نیاز جهت زندگی مناسب افراد در یک محدوده معین اطلاق می‌شود که موجبات آسایش، رفاه و رضایت ساکنانش را برای مدت‌زمان طولانی فراهم می‌سازد. در این چارچوب اهمیت فزاینده زیست‌پذیری به طور روزافزونی ناشی از افزایش آگاهی نسبت به الگوهای ناپایدار زندگی و مصرفی است که نه سالم هستند و نه پایدار و در درازمدت موجب کاهش توان منابع محیطی برای حمایت از جمعیت کره زمین می‌شوند.

مسئله بودن زیست‌پذیری در جامعه روستایی ایران ناشی از افزایش آگاهی و شناخت نسبت به مشکلاتی چون: الگوهای ناپایدار زندگی، مهاجر فرستی و غالباً محروم بودن مناطق روستایی می‌باشد. تحقیقات صورت گرفته در مناطق روستایی نشان می‌دهد که این مناطق اغلب با کاهش جمعیت، فقر، مسکن نامناسب و ناامن، بهداشت نامناسب محیطی لازم و محرومیت از انواع خدمات رفاهی و تسهیلات زیربنایی مواجه می‌باشند که این موضوع از بی‌توجهی به روستاها و مسئله زیست‌پذیری نشأت می‌گیرد. مضاف بر این که روستاها یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های شهرها به حساب می‌آیند و زندگی شهرها وابسته به ادامه حیات روستاها می‌باشد. چراکه مهم‌ترین نیازهای حیاتی و بیولوژیکی ساکنان شهرها در روستاها تهیه می‌شود. زیست‌پذیری روستاها هم به وسیله ساکنان و هم برنامه‌ریزانی که برای ایجاد فضای زندگی پایدار و کاربردی در روستاها تلاش می‌کنند، مورد پذیرش و ستایش قرار گرفته است. سکونتگاه‌های زیست‌پذیر احساس بیشتری از اجتماع و مالکیت را ایجاد می‌کنند و نرخ مهاجرت پایین‌تر است و در آن‌ها ارزش اموال و فعالیت‌های کسب‌وکار افزایش می‌یابد و می‌توان کیفیت زندگی را بهبود بخشید. تحقق‌پذیری زیست‌پذیری بیش‌ترین ارتباط را با مکان از نظر شرایط زمانی و مکانی دارد و در سنجش زیست‌پذیری مناطق روستایی لازم است به دانش و فرهنگ محلی روستاییان توجه گردد، زیرا مشارکت فرایندی مردم محلی با در نظر گرفتن باورها و ارزش‌های آن‌ها باعث می‌شود که احساس مالکیت تقویت شده و زیست‌پذیری به صورت رفتار درآید (Khorasani, 2012: 31-32).

نتایج حاصل از مشاهدات و پیمایش میدانی صورت گرفته در دهستان مهر وئیه بیانگر آن است که با توجه به قرارگیری این دهستان در نواحی محروم کشور که از لحاظ شاخص‌های توسعه در سطح پایینی می‌باشند و از طرف دیگر وقوع خشکسالی‌های پی‌درپی اقتصاد این منطقه را با رکود مواجه کرده است. اکثر این روستاها به علت مشکلات ناشی از حوادث طبیعی، کمی درآمد، با مسکن نامناسب، پایین بودن شاخص‌های بهداشتی و مهاجرت مواجه هستند. در سال‌های اخیر با اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی مسکن روستایی تعدادی زیادی از ساکنان روستاها به علت نداشتن مسکن و یا قدیمی و تخریبی بودن واحد مسکونی خویش اقدام به دریافت تسهیلات بهسازی و نوسازی کرده و مسکن خویش را مقاوم کرده‌اند. در این چارچوب در ارتباط مقاوم‌سازی مسکن با زیست‌پذیری روستاها باید گفت: زیست‌پذیری شامل سه بُعد اصلی جامعه شاداب، اقتصاد شایسته و محیط‌زیست می‌باشد. مقاوم‌سازی مسکن یکی از شاخص‌های زیست‌پذیری روستاها محسوب می‌گردد و برای افزایش آثار مثبت آن و کاهش آثار منفی در جوامع روستایی، برنامه‌ریزی و مدیریت کارآمد لازم است. این امر نیازمند برنامه‌ریزی هماهنگ و حساب شده است تا این اطمینان حاصل شود که مقاوم‌سازی مسکن راهی را برای دستیابی به زیست‌پذیری روستاها است. با این توصیف تحقیق حاضر باهدف بررسی نقش مقاوم‌سازی مسکن روستایی دهستان مهر وئیه در زیست‌پذیری روستاها شکل گرفته و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی که نقش مقاوم‌سازی مسکن روستایی در زیست‌پذیری روستاها چگونه است؟ می‌باشد.

برای تبیین سؤال پژوهش و تبدیل آن به سؤال علمی، واکاوی در مطالعات انجام شده مورد توجه قرار گرفت که خلاصه آن در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. برخی مطالعات انجام شده با رویکرد زیست پذیری

پدیدآورند سال / ه	عنوان پژوهش	خلاصه نتایج
خراسانی (۱۳۹۱)	تبیین زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهرستان ورامین)	ایشان زیست پذیری را در سه بعد اقتصادی، اجتماعی زیست محیطی مورد مطالعه قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین روستاهای مورد مطالعه از نظر سطح زیست پذیری تفاوت معناداری وجود دارد و زیست پذیری تحت تأثیر عوامل مکانی و فضایی است.
بندرآباد (۱۳۸۹)	تدوین اصول الگوی توسعه فضایی و شکل شهر زیست پذیر ایرانی، مطالعه موردی مناطق ۲۲، ۱۵، ۱ شهر تهران	شکل طبیعی و الگوی تاریخی شکل شهر در افزایش یا کاهش میزان زیست پذیری از طریق تسهیل دسترسی و نفوذ پذیری، خطرات لرزه خیزی و چشم انداز تاریخی و طبیعی بر افزایش یا کاهش میزان زیست پذیری تأثیر قابل ملاحظه ای دارد و مؤلفه های اقتصاد شهری در حال حاضر دارای بیشترین ضریب اهمیت در تحقق شکل شهر می باشد.
فتاحی (۱۳۸۹)	سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان (دلفان)	یافته های تحقیق نشان می دهد که در بخش مرکزی شهرستان دلفان در تمامی مؤلفه های مؤثر بر کیفیت زندگی به لحاظ موقعیت مکانی و بُعد فاصله تفاوت معناداری مشاهده می شود.
ماجدی و همکاران (۱۳۸۵)	بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی مطالعه موردی (روستاهای استان فارس)	نوع روستا بیانگر ویژگی های روستا به لحاظ امکانات توسعه است و درآمد ماهیانه بر میزان رضایت از کیفیت زندگی مؤثر است و هر دو مورد به این نکته اشاره می کنند که بهتر شدن وضعیت روستا و فرد می تواند بر میزان رضایت از کیفیت زندگی مردم تأثیرگذار باشد.

تحقیقات محققان خارجی قبل از سال ۲۰۰۳ (Hester, 1984; Richman & Chapin, 1984; Marrans, 1979; Boyer, 1981; Morish & Brower, 1996) که در حوزه زیست پذیری انجام پذیرفته اند، نیز عمدتاً در مورد زیست پذیری محله ای تمرکز نموده اند؛ بنابراین، مروری گذرا بر پژوهش های انجام شده نشان می دهد که این تحقیقات عمدتاً بر روی کیفیت، تعاریف، رضایت، برنامه ریزی و حل مشکل در حوزه زیست پذیری انجام پذیرفته است و ارتباط بین مسکن و زیست پذیری در آن ها در حاشیه مانده است. از این رو پُر کردن این شکاف علمی و پاسخ گویی به مسائل منطقه مورد مطالعه در این زمینه، ضرورت انجام تحقیق را اجتناب ناپذیر می کند.

همان گونه که از مقدمه مذکور استنباط می شود، مفهوم زیست پذیری می تواند با توجه به بستر و زمینه ای که در آن تعریف می شود بسیار گسترده و یا محدود باشد (Perogordo, 2007). شاخص مسکن که در بُعد زیست پذیری اقتصادی مطرح می باشد و در کیفیت زندگی روستاییان نقشی مؤثر ایفا می کند، امروزه با تهدیدات جدی از قبیل کم استحکامی و نامقاوم بودن مواجه می باشد؛ بنابراین مسکن روستایی در معرض مخاطرات محیطی، انسانی و فناوری نیاز به مقاوم سازی دارند تا روستاییان بتوانند مفهوم مدنیت خود را درک کنند و از زندگی خود راضی باشند. در واقع، مسکن روستایی به عنوان کانون متمرکز و تبلور کالبدی ارزش های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زندگی روستاییان محسوب می گردد (Yasuri & Imami, 2014: 31). اما باید توجه داشت که مقاوم سازی مسکن مانند هر پدیده دیگری در صورتی می تواند باعث زیست پذیری روستایی گردد که اصول ساخت و سازهای جدید با شیوه های معماری بومی توأمان رعایت گردد و نیز در تضاد با نظام زیست اقتصادی و اجتماعی روستاییان نباشد تا ساختمان های مقاوم پاسخگوی نیازهای روستاییان در همه ابعاد باشد. بر این مبنا است که مقاوم سازی یکی از موضوعات مهم و اساسی در جهت ارتقای کیفیت زندگی روستاییان با جلوگیری از آسیب های احتمالی در هنگام بروز سوانح برای زیست پذیری کردن مناطق روستایی است و همچنین یکی از اقدامات مهم پیشگیری در چرخه مدیریت بحران است؛ بنابراین پیشگیری، فرآیند برنامه ریزی و اجرای اقداماتی است که ریسک های ناشی از مخاطرات را کاهش می دهد (UNDP, 1979).

به عنوان نمونه، مقاوم ساختن اکثر ساختمان ها در مقابل زلزله آن نیست که ساختمان در شدیدترین زلزله ها هیچ گونه صدمه ای نبیند زیرا در صورت مزبور ساختمان به صورت غیرمعقولی گران تمام خواهد شد، بلکه هدف آن است که اولاً از تلفات و صدمات جانی جلوگیری به عمل آید. علاوه بر این، مقاوم سازی مسکن روستایی الزاماتی را برای استفاده از مصالح ساختمانی خاص، نیروهای ماهر انسانی و فناوری ساخت ایجاد می کند که هر یک می تواند در نظام عملکردی، ارتقای سیمای کالبدی خانه های روستایی و نیز بافت روستا مؤثر باشد. در واقع شکل گیری مسکن روستایی تابع شرایط اکولوژیکی طبیعی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، و فن ساخت جامعه استفاده کننده است و کلیه موارد مذکور در طراحی مسکن روستایی باید لحاظ شود (Moini, 2008: 48).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد از مهم‌ترین عواملی که باعث ساخت‌وسازهای غیراصولی در کشور می‌شود، مشکلات اقتصادی و افزایش هزینه ناشی از اجرای روش‌های مقاوم در برابر مخاطرات (زلزله) و مشکلات تأمین هزینه‌های آن برای اقشار ضعیف اجتماع است که باعث اجرا نشدن ضوابط مقاوم‌سازی در اجرای ساختمان‌ها می‌شود (Saghafi, 2005: 45). از این رو ضرورت دارد در جهت کاهش آسیب‌پذیری و ارتقای کیفیت زندگی روستاییان برای زیست‌پذیرکردن مناطق روستایی تمام عناصر و مؤلفه‌های درگیر را به‌صورت سیستماتیک و یکپارچه در فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت مسکن با رهیافت ریسک مورد توجه قرار داد.

آسیب‌پذیری یک برآیند و نتیجه انعکاسی (واکنشی) از روابط دوتایی بد و ناسازگار و رشد بین عناصر ساختاری و عملکردی جامعه یا جامعه اجتماع محلی است (Samaddar & Okada, 2006). تحلیل گزارش جهانی حوادث نشان می‌دهد که سطح آسیب‌پذیری عرصه‌های فضایی، ارتباط مستقیمی با سطح توسعه‌یافتگی و وجود زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی - سیاسی دارد. به‌عنوان مثال سرمایه‌گذاری برای توسعه و بهبود زیرساخت‌های اساسی یک کشور خسارت انسانی و مادی ناشی از مخاطرات را کاهش می‌دهد (Red Cross, 2001). همچنین نبود پیوستگی فرهنگی و سازگاری به‌عنوان یکی از عوامل اساسی در افزایش آسیب‌پذیری در برابر مخاطرات محسوب می‌گردد و این عامل می‌تواند به‌عنوان عاملی اساسی، بر میزان آسیب‌پذیری تأثیرگذار باشد. به‌طور کلی مهم‌ترین ابعاد و عوامل مؤثر در برابر ریسک در جوامع روستایی در جدول (۲) بیان شده است.

جدول ۲. ابعاد و عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی در برابر مخاطرات

ابعاد	عوامل آسیب‌پذیری
نهادی - سیاسی	۱. مشکل قانون‌گذاری (توسعه منطقه‌ای، برنامه‌ریزی کاربری اراضی و قوانین ساختمان) در راستای مقابله با مخاطرات اجرا نشده است؛ ۲. کافی نبودن منابع فردی و مالی موجود جهت مدیریت ریسک مخاطرات؛ ۳. قوانین شفاف و کامل نیستند و عدم تطابق بین مسئولان در سطوح مختلف قدرت مرکزی، قدرت ناکافی کنشگران محلی؛ ۴. فرهنگ سیاسی در امور اداری (تجارب ساختمان‌سازی) و ... تمایل به رشوه دارد؛ ۵. فقدان و یا ناکافی بودن مکانیسم‌های ابزارهای مالی برای پخش ریسک‌های مالی (بودجه‌های مخاطرات، بیمه)؛ ۶. بلوکه شدن یا توسعه نامتوازن فرهنگ پیشگیری.
اقتصادی	۱. ناکافی بودن منابع دولت برای مدیریت ریسک مخاطرات؛ ۲. گسترش فقر و زندگی کردن اغلب فقرا در مناطق با ریسک بالا؛ ۳. تنوع اندک در بخش‌ها و یا منابع اقتصادی و در نتیجه آسیب‌پذیری زود هنگام در برابر مخاطرات؛ ۴. عدم توجه به فعالیت‌های اقتصادی در مناطق با ریسک بالا (مصرف نایجای منابع طبیعی).
اجتماعی - فرهنگی	۱. آموزش پایین و ناکافی و نهایتاً ناتوان شدن مردم در استفاده از روش‌های مناسب در برابر تغییرات محیطی و متعاقب آن افزایش آسیب‌پذیری؛ ۲. گسترش تقدیرگرایی (مخاطرات طبیعی را خداوند به وجود می‌آورد)؛ ۳. پایین بودن فرهنگ نهادی و مشارکتی در برابر مخاطرات.

Source: GTZ, 2002: 19-40; Parishan, 2011: 46

مخاطرات به‌طور اعم و ریسک به‌طور اخص یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است. یک نکته کلیدی که بایستی همیشه به آن توجه نمایم این است که یک راه‌حل استاندارد برای کاهش ریسک وجود ندارد. لذا هدف کم‌کردن و یا به‌حداقل رساندن اثرات است. در ادامه رویکردهای آسیب‌پذیری را در چهار دسته (فن‌محور، اجتماعی، موقعیتی و مبتنی بر مردم) تقسیم‌بندی نموده و ویژگی‌هایی را برای هر کدام از موارد، به شرح جدول (۳) ارائه شده است.

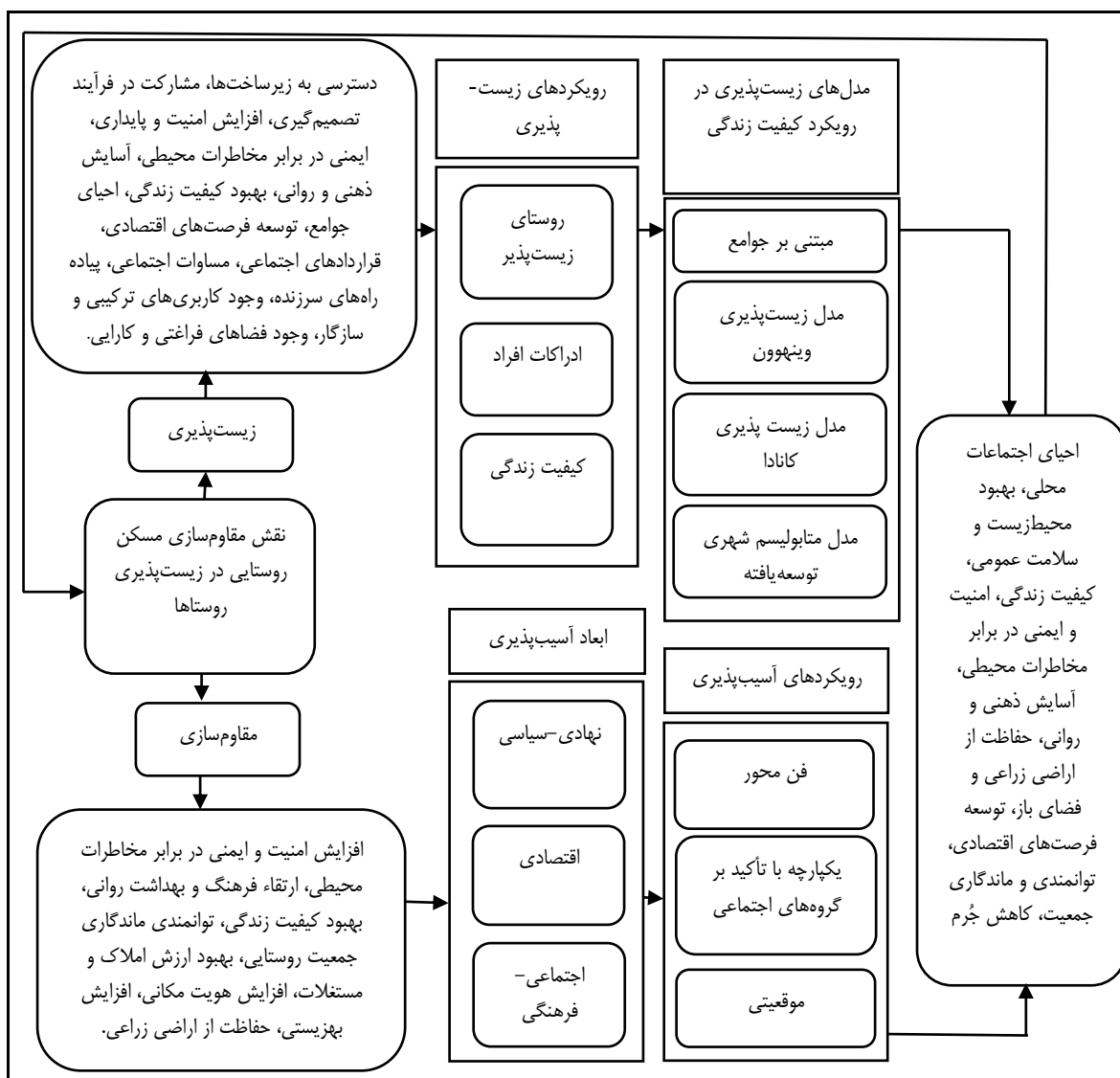
جدول ۳. رویکردهای آسیب‌پذیری

ویژگی‌ها	رویکرد
۱. آسیب‌پذیری درجه‌ای از خسارت رخ داده‌ها یک مخاطره تعریف می‌شود، به قوانین و اصول توجه دارد و برای پیش‌بینی میزان خسارت از مدل ریاضی استفاده می‌شود؛ ۲. دامنه همه گروه‌های آسیب‌پذیر محدود شده و همه گروه‌های آسیب‌پذیر به‌عنوان یک گروه پذیرفته می‌شود؛ ۳. انسان به‌عنوان یکی از عناصر در معرض خطر مثل سایر عناصر (مسکن و خدمات و...) بررسی می‌شود؛ و ۴. رویکرد بالا به پایین دارد.	فن‌محور
۱. آسیب‌پذیری را به انواع مختلف (اجتماعی، اقتصادی، محیطی و اطلاعات) تقسیم می‌کند و این عوامل (اجتماعی، اقتصادی و ...) را به‌عنوان عوامل اصلی در آسیب‌پذیری قلمداد می‌کند؛ ۲. به آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر (روستایی، زنان، کودکان، افراد مسن و اقلیت‌ها و...) و علل آسیب‌پذیر توجه بیشتری دارد؛ ۳. عوامل در سطوح اجتماعی، نسبت به عوامل در سطح فردی برتری دارد؛ و ۴. رویکردهای بالا به پایین دارد.	یکپارچه با تأکید بر گروه‌های اجتماعی
۱. موقعیت واقعی مخاطرات را طبقه‌بندی و تشریح می‌کند؛ ۲. در کنار موقعیت و شرایط مخاطرات سایر عوامل همچون بستر اقتصادی - اجتماعی و نهادی اجتماعی و نهادی اجتماع، میزان آسیب‌پذیری را تشدید می‌کند؛ ۳. بر پیشگیری، آمادگی، واکنش و بازسازی به‌عنوان عوامل مؤثر در فرآیند کاهش ریسک توجه نموده؛ و ۴. رویکرد بالا به پایین دارد.	موقعیتی
۱. توجه به مشارکت مردم در همه مراحل مدیریت ریسک مخاطرات؛ ۲. هدف کاهش آسیب‌پذیری و تقویت توانایی‌های اجتماع در معرض ریسک است؛ ۳. تأکید بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های موجود جوامع برای مقابله با ریسک ناشی از مخاطرات طبیعی؛ و ۴. رویکرد پایین به بالا دارد.	مبتنی بر جوامع

Source: Parishan, 2011: 46

بنابراین می‌توان گفت آنچه موجب افزایش تلفات ناشی از مخاطرات (زلزله) می‌شود، تنها خود مخاطرات نیست بلکه ساختمان‌های غیرمقاوم یا کم‌مقاومتی است که در اثر غفلت‌ها، ندانم‌کاری‌ها، نبود احساس مسئولیت در انجام وظایف توسط متصدیان ساخت‌وساز اعم از قانون‌گذاران، تدوین‌کنندگان آیین‌نامه‌ها و ضوابط ساختمان‌سازی، طراحان و مالکان است که متناسب با ساخت‌وساز غیراصولی، باعث بروز فجایعی می‌شوند. تجربه نشان داده که در کشورهایی که با این پدیده درگیر هستند تا حدود زیادی عامل تخریب را کم کرده و شهرها و روستاهای خود را بر اساس اصول مهندسی بنا نهاده و کمتر واهمه‌ای از وقوع مخاطرات دارند (Mahdian, 2002: 9).

بر این اساس مدل مفهومی این تحقیق، به شکل زیر ترسیم و مورد استفاده قرار گرفته است:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. در انجام مطالعه، ابتدا اطلاعات موجود در مورد موضوع و منطقه از کتب، اسناد، مجلات، نقشه‌های پایه و آمارنامه‌ها جمع‌آوری و سپس داده‌های مورد نیاز شهرستان از طریق مطالعات میدانی شامل مشاهده، پرسش‌نامه و مراجعه به

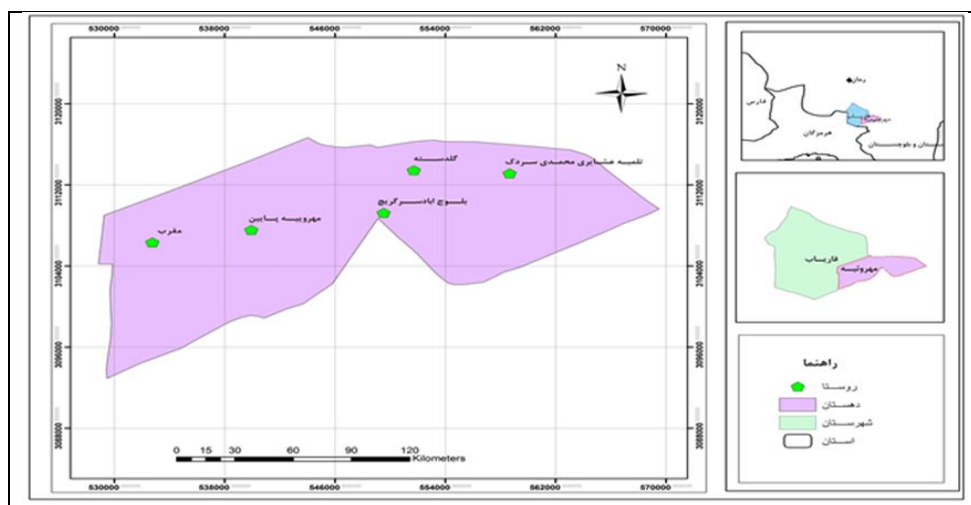
ادارات منطقه‌ی مذکور تهیه گردید. با عنایت به این که ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، پرسش‌نامه می‌باشد، در پرسش‌نامه مشخصه‌های فردی و واحدهای مسکونی سرپرستان خانوار مدنظر قرار گرفته و به‌منظور بررسی نقش مقاومت‌سازی مسکن در زیست‌پذیری روستاها از نظر ابعاد زیست‌پذیری اجتماعی و زیست‌پذیری اقتصادی و همچنین بُعد مقاومت‌سازی، اقدام به طراحی شاخص در هریک از مؤلفه‌های پژوهش مطابق جدول (۴) شده است. سطح پایایی پرسش‌نامه تحقیق با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/813$ به دست آمد که بیانگر ضریب اعتماد مناسب می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و از آزمون‌های همبستگی وی کرامرز و رگرسیون تک‌متغیره استفاده شده است.

جدول ۴. ابعاد و شاخص‌های مرتبط با موضوع پژوهش

ابعاد	شاخص
زیست‌پذیری اجتماعی	میزان برخورداری واحد مسکونی از امکانات
	میزان برخورداری واحد مسکونی از فضا
	میزان تأثیر واحد مسکونی در کاهش آلودگی‌ها (آلودگی‌های محیط محلی و آلودگی‌های صوتی)
	میزان رضایت از واحد مسکونی
	میزان تأثیر واحد مسکونی در ویژگی‌های روحی و روانی خانوارهای ساکن
	میزان تأثیر واحد مسکونی در ایمنی خانوارهای ساکن
زیست‌پذیری اقتصادی	تناسب مسکن با فعالیت‌های کشاورزی و دامداری
	میزان نقش واحد مسکونی در بهره‌وری شغلی سرپرست خانوار ساکن
	میزان نقش واحد مسکونی در اتلاف انرژی واحد مسکونی
	میزان تأثیر واحد مسکونی در سرمایه‌گذاری و پس‌انداز
	میزان تأثیر واحد مسکونی جدید در کاهش هزینه‌های تعمیر و نگهداری
	میزان نقش واحد مسکونی در افزایش ارزش ملک
	میزان تأثیر واحد مسکونی در کاهش هزینه‌های سلامتی
	میزان نقش واحد مسکونی در دسترس بودن مصالح بومی و کاهش هزینه‌های ساخت‌وساز
مقاومت‌سازی	میزان دوام مصالح به‌کاررفته در مسکن
	میزان دوام سازه واحدهای مسکونی
	قدمت واحد مسکونی
	میزان کاربرد مصالح بومی در واحدهای مسکونی
	میزان کاربرد تجهیزات مناسب صرفه‌جویی انرژی

قلمرو جغرافیایی پژوهش

محدوده مورد مطالعه پژوهش دهستان مهرویه از توابع شهرستان فاریاب در استان کرمان می‌باشد. جامعه نمونه آماری پژوهش را خانوارهای روستاهای مهرویه پایین، مقرب، بلوچ‌آباد، تلمبه عشایری محمدی سرلک و گلدسته از توابع بخش مرکزی شهرستان فاریاب (دهستان مهرویه) می‌باشند (شکل ۲). این دهستان بر طبق داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰، دارای ۱۷۹۷ خانوار و ۷۴۱۲ نفر جمعیت می‌باشد. دهستان مهرویه برحسب تقسیمات اداری و سیاسی از بخش مرکزی شهرستان فاریاب استان کرمان می‌باشد. شهرستان فاریاب از شرق به شهرستان‌های جیرفت و عنبرآباد و از جنوب به شهرستان کهنوج و منوجان و از طرف غرب به شهرستان‌های حاجی‌آباد و رودان استان هرمزگان محدود شده است. حدفاصل منطقه مورد مطالعه تا شهر فاریاب ۲۰ کیلومتر و تا مرکز استان ۳۵۰ کیلومتر می‌باشد. لازم به‌ذکر است که روستاهای منتخب بر اساس جمعیت، فاصله تا شهر مرکزی و میزان مقاومت‌سازی انتخاب شده‌اند و ۲۵۱ خانوار که مسکن خود را مقاومت‌سازی کرده بودند، به‌صورت جامعه نمونه از طریق فرمول کوکران انتخاب گردیدند (جدول ۵).



شکل ۲. موقعیت منطقه مورد مطالعه در استان (Source: Iran Mapping Organization, 2012)

جدول ۵. تعداد خانوار و نمونه مورد پرسشگری در روستاهای دهستان مهریوسه

نمونه مورد پرسشگری	خانوار	روستا	نمونه مورد پرسشگری	خانوار	روستا
۹	۵۲	کنارشکی	۱۵	۸۶	بلوچ آباد سرگرج
۶	۳۶	احمدآباد سرگرج	۱۸	۱۰۵	حسن آباد سرگرج
۲	۱۲	تلمبه میرزا خان سرگرج	۷	۳۸	حسین آباد سرگرج
۲۲	۱۲۴	گلدهسته	۳۶	۲۰۳	باغ پشموکی
۲۳	۱۲۶	موتورهای شهیدآباد شور سرگرج	۱۸	۱۰۵	مقرب
۳	۱۹	کریم آباد سرگرج	۱۱	۶۴	سوزان
۳	۱۵	تلمبه ابراهیم آباد سالاری	۱۴	۸۲	مهریوسه بالا
۴	۲۳	عباس آباد سرگرج	۶	۳۴	درش نمو
۸	۴۵	تلمبه عشایری مرادآباد سرگرج	۱۱	۶۴	موتورهای سرلک سرگرج
۵	۲۸	تلمبه قلندری	۳	۱۷	سه چاه
۴۴	۲۴۷	مهریوسه پائین	۲۹	۱۶۶	تلمبه عشایری محمدی سرلک
۱۴	۷۷	چاه شهم سرگرج	۵	۲۹	چاه نی سرگرج
۱۷۹۷			خانوار		مجموع
۳۱۶			نمونه مورد پرسشگری		

Source: Statistical Center of Iran, 2011

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

به منظور بررسی نقش مقاوم سازی مسکن روستایی دهستان مهریوسه در زیست پذیری روستاها در این پژوهش ۲۵۱ پرسش نامه تکمیل گردید. جدول (۶) نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵۱ نفر سرپرست خانوار که مورد پرسشگری واقع شده‌اند ۲۰۰ نفر معادل ۷۹/۷ درصد را مردان و ۵۱ نفر معادل ۲۰/۳ درصد زنان تشکیل داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گروه سنی ۳۰ تا ۵۰ سال بیشترین تعداد فراوانی را با ۶۱/۳۵ درصد به خود اختصاص داده و کمترین فراوانی را گروه سنی بالای ۵۰ سال با ۱۴/۳۴ درصد به خود اختصاص داده است. بررسی میزان تحصیلات پاسخگویان بیانگر آن است که ۷/۱۷ درصد از سرپرستان خانوارها فاقد سواد، ۳۴/۶۶ درصد از آن‌ها دارای تحصیلات ابتدایی، ۳۹/۴۴ درصد دارای سیکل، ۵/۱۷ دارای مدرک دیپلم، ۸/۳۶ دارای مدرک کاردانی، ۴/۷ دارای مدرک کارشناسی و ۰/۳۹ دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌باشند.

جدول ۶. ویژگی‌های فردی و اجتماعی و سطح سواد پاسخگویان

شرح	جنسیت		تحصیلات						
	مرد	زن	فأقد سواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد و بالاتر
جنس	۲۰۰	۵۱	۱۸	۸۷	۹۹	۱۳	۲۱	۱۲	۱
فراوانی	۷۹/۷	۲۰/۳	۷/۱۷	۳۴/۶۶	۳۹/۴۴	۵/۱۷	۸/۳۶	۴/۷	۰/۳۹
درصد									

همان‌طور که داده‌های جدول (۷) نشان می‌دهد، بیشتر اشتغال در دهستان مهرئیه مربوط به کشاورزی با ۶۰/۶ درصد و کمترین مربوط به کارمندی که ۷/۶ درصد می‌باشد.

جدول ۷. نوع شغل پاسخگویان

شغل	کشاورز	کارمند	خدماتی	خانه‌دار	جمع
فراوانی	۱۵۲	۱۹	۳۶	۴۴	۲۵۱
درصد	۶۰/۶	۷/۶	۱۴/۳	۱۷/۵	۱۰۰

بر طبق جدول (۸) مالکیت اکثر واحدهای مسکونی از نوع شخصی (ملکی) است که بیش‌ترین درصد را روستای مقرب با ۹۷/۱ درصد و کمترین را روستای بلوچ‌آباد سرگریج با ۹۳/۱ درصد دارا می‌باشند؛ و بیش‌ترین درصد واحدهای مسکونی که ملکیت آن‌ها به‌صورت رهنی (اجاره‌ای) روستای بلوچ‌آباد با ۶/۹ بیش‌ترین درصد و کمترین را روستای مقرب با ۲/۹ درصد می‌باشد.

جدول ۸. مالکیت واحدهای مسکونی

نوع مسکن				روستا
رهنی (اجاره‌ای)		ملکی (شخصی)		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵/۸۱	۵	۹۴/۱۸	۸۱	مهرئیه پایین
۲/۹	۱	۹۷/۱	۳۵	مقرب
۴/۷	۲	۹۵/۳	۴۱	گلدسته
۵/۳	۳	۹۴/۸	۵۴	تلمبه عشایری محمدی سرلک
۶/۹	۲	۹۳/۱	۲۷	بلوچ‌آباد سرگریج
۵/۱۸	۱۳	۹۴/۸۲	۲۳۸	دهستان

یافته‌های استنباطی

در ابتدا به‌منظور بررسی همبستگی میان متغیرهای مسکن با مؤلفه‌های زیست‌پذیری (اقتصادی و اجتماعی) از آزمون همبستگی وی کرامرز استفاده شد. سپس در گام دوم برای سنجش میزان تأثیر مقاومت‌سازی مسکن در مؤلفه‌های زیست‌پذیری (اقتصادی و اجتماعی) از آزمون رگرسیون استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون همبستگی وی کرامرز در جدول (۹) نشان داده شده است. با توجه به نتایج جدول که مقدار sig اکثر آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت بین مقاومت‌سازی مسکن در مؤلفه‌های زیست‌پذیری (اقتصادی و اجتماعی)، همبستگی و رابطه معناداری وجود دارد که در اینجا بیش‌ترین شدت بین مقاومت‌سازی مسکن و زیست‌پذیری اجتماعی مربوط به شاخص مصالح کف واحد مسکونی که ۷/۲۴ و کمترین مربوط به عمر واحد مسکونی ۰/۳۷۴ است؛ و در سنجش همبستگی بین مقاومت‌سازی مسکن و زیست‌پذیری اقتصادی بیش‌ترین شدت مربوط به امکانات ضد زلزله با ۰/۵۴۷ و کمترین شدت مربوط سازه سقف واحد مسکونی ۰/۲۲۴ می‌باشد.

جدول ۹. تحلیل ANOVA

وی کرامرز		شاخص های مقام سازی	زیست پذیری
معناداری	شدت		
۰/۰۰۰	۰/۳۲۴	عمر واحد مسکونی	زیست پذیری اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۶۶۱	امکانات ضد زلزله	
۰/۰۰۰	۰/۵۴۱	سازه سقف واحد مسکونی	
۰/۰۰۰	۰/۴۱۰	سازه ساختمان	
۰/۰۰۰	۰/۷۱۹	مصالح کف واحد مسکونی	
۰/۰۰۰	۰/۷۲۴	مصالح سقف واحد مسکونی	
۰/۰۰۰	۰/۴۹۱	دوام واحد مسکونی	
۰/۰۰۰	۰/۴۰۸	عمر واحد مسکونی	زیست پذیری اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۵۴۷	امکانات ضد زلزله	
۰/۰۵۰	۰/۲۲۴	سازه سقف واحد مسکونی	
۰/۰۰۴	۰/۳۷۶	سازه ساختمان	
۰/۰۰۰	۰/۳۷۶	مصالح کف واحد مسکونی	
۰/۰۰۰	۰/۵۲۵	مصالح سقف واحد مسکونی	
۰/۰۰۰	۰/۳۱۲	دوام واحد مسکونی	

خلاصه مدل رگرسیون در جدول (۱۰) مشاهده می شود که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۷۲۶ است که نشان می دهد بین متغیر مستقل و وابسته همبستگی بالایی وجود دارد؛ اما ضریب تعیین تعدیل شده نهایی که برابر با ۰/۵۲۵ می باشد، نشان می دهد که ۵۲/۵ درصد کل تغییرات زیست پذیری (اجتماعی، اقتصادی) در این تحقیق وابسته به متغیر مستقل وارد شده در این مدل می باشد، به عبارت دیگر حدود ۰/۵۲۵ درصد واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل برآورده می شود.

جدول ۱۰. خلاصه مدل رگرسیون

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R Square	تعدیل شده R Square
۱	۰/۷۲۶	۰/۵۲۷	۰/۵۲۵

* متغیر مستقل: مقاوم سازی مسکن

جدول (۱۱) ANOVA، معنی داری کل مدل را مشخص می کند. مقدار F برابر با ۲۷۷/۶۰۶ را با سطح معنی داری ۰/۰۰۰ به دست آمده است و از آنجا که سطح معنی داری آن کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می توان گفت که متغیر مستقل به خوبی تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کند.

جدول ۱۱. تحلیل ANOVA

Sig	F	مجدور میانگین	Df	مجموع مربعات	شرح
۰/۰۰۰	۲۷۷/۶۰۶	۶۱/۲۴۸	۱	۶۱/۲۴۸	رگرسیون
-	-	۰/۲۲۱	۲۴۹	۵۴/۹۳۷	باقیمانده
-	-	-	۲۵۰	۱۱۶/۱۸۵	کل

جدول (۱۲)، به عنوان آخرین خروجی مدل رگرسیون به روش همزمان، نتایج مربوط به میزان تأثیر هر متغیر در مدل و همچنین میزان همبستگی بین آن ها را نشان می دهد.

جدول ۱۲. همبستگی متغیر مستقل و وابسته

Sig	T	همبستگی استاندارد نشده		مدل
		Beta	خطای استاندارد	
۰/۰۰۰	۱۶/۳۴۶	-	۰/۱۰۲	(مقدار ثابت)
۰/۰۰۰	۱۶/۶۶۲	۰/۷۲۶	۰/۰۳۰	مقاوم‌سازی

در جدول (۱۲) تفسیر ضرایب رگرسیون بر اساس ضریب بتا (Beta) انجام می‌گیرد و با استفاده از آن می‌توانیم سهم نسبی متغیر مستقل در مدل را مشخص کنیم. داده‌های این جدول نشان می‌دهد که متغیر مقاوم‌سازی مسکن با ضریب رگرسیونی ۰/۷۲۶ تأثیر بالایی را بر زیست‌پذیری (اجتماعی و اقتصادی) داشته است. در مجموع با توجه به معنی‌دار بودن ضریب رگرسیون و تبیین تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل وارد شده مقاوم‌سازی مسکن در زیست‌پذیری (اجتماعی و اقتصادی) دهستان مهرویه نقش داشته‌اند و معناداری آزمون (F) این امر را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری

در راستای آزمون رگرسیون جدول (۱۰) و در پاسخ به سؤال تحقیق مقاوم‌سازی مسکن دهستان مهرویه در زیست‌پذیری روستاهای آن چه نقشی دارد؟ با توجه نتایج به‌دست‌آمده می‌توان چنین بیان کرد که مقاوم‌سازی سبب ارتقاء زیست‌پذیری دهستان مهرویه شده است. نتایج حاصل از مطالعات میدانی صورت گرفته در دهستان مهرویه بیانگر آن است که با توجه به قرارگیری این دهستان در نواحی محروم کشور که از لحاظ شاخص‌های توسعه در سطح پایینی می‌باشند و از طرف دیگر وقوع خشک‌سالی‌های پی‌درپی اقتصاد این منطقه با رکود مواجه کرده است. اکثر این روستاها به علت مشکلات مالی مسکن نامناسب، پایین بودن شاخص‌های بهداشتی با مهاجرت روستاییان مواجه بوده‌اند. در سال‌های اخیر با اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی مسکن روستایی تعدادی زیادی از ساکنان روستاها به علت داشتن مسکن قدیمی و تخریبی بودن واحد مسکونی خویش، اقدام به دریافت این تسهیلات کرده و اقدام به بهسازی و نوسازی مسکن خویش نموده‌اند. با دریافت تسهیلات مسکن توسط خانوارهای روستایی و رونق ساخت‌وساز و همچنین اشتغال در بخش مسکن بخشی از جمعیت مورد مطالعه به دنبال این امر به مشاغل مرتبط با مسکن روی آوردند و سبب ماندگاری و اشتغال جمعیت در روستاهای مورد مطالعه شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مسکن جدید ساخته‌شده، در کنار پاسخ‌گویی به نیاز سکونت، تأمین امنیت و حریم خانواده حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در برمی‌گیرد و پیامدهای مثبتی را برای معیشت (زیست اقتصادی) روستاییان به همراه داشته است؛ که از جمله این موارد می‌توان به ایجاد امنیت و آرامش در برابر سوانح طبیعی که سبب ایجاد حس اطمینان از استحکام واحد مسکونی؛ آسایش و آرامش روحی و روانی و افزایش کیفیت بهداشتی واحد مسکونی نظیر دفع مناسب فاضلاب، نورگیری مناسب شده است و این در حالی است که مسکن قدیمی دارای پی ضعیف، دارای ابعاد نامناسب و ضعف ساخت‌وساز بوده و عدم اطمینانی از استحکام آن‌ها، همواره ترس از اتفاق ناگوار وجود داشت که این خود سبب سلب آرامش برای خانوار می‌شد و علاوه بر این مسکن قدیمی از امکانات و فضای کافی برخوردار نبوده و امکانات بهداشتی داخل واحد برای آن‌ها در نظر گرفته نشده بود که همواره برای اهل خانه مشکلاتی را به وجود می‌آورد. بهسازی و نوسازی مسکن سبب شده که خانواده‌های روستایی با خیال آسوده و به دور از هیچ‌گزندی از خطرات احتمالی زلزله و سیل را در داخل این مسکن اوقات خود را سپری کنند. داشتن یک مسکن مناسب سبب شده که فرد روستایی در شغل خود بهره‌وری و کارایی داشته باشد و سبب جذب سرمایه و اشتغال‌زایی در روستاها بالا رفتن سطح بهداشتی و تقلیل تمایل افراد به مهاجرت شده است. از این رو می‌توان گفت که این مسکن ساخته‌شده برای روستاییان برخلاف بعضی کالاهای مصرفی مورد نیاز پس از تأمین نیازهای ضروری اولیه به صورت پس‌انداز تبدیل می‌شود و حوزه بسیار وسیعی از تقاضا را برای روستا می‌گشاید که تأمین آن ماهیتی متفاوت با بحث مسکن به‌عنوان سرپناه دارد و در حقیقت نوعی پس‌انداز برای روستاییان به شمار می‌آید. بنابراین نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات علیرضا بندرآباد همسو می‌باشد که نشان می‌دهد که اجرای برنامه‌های تحقق مسکن از جمله شاخص‌های تحقق برابری اجتماعی است و سبب ایجاد حس تعلق و دوام سکونت می‌شود و خطرات لرزه‌خیزی بر افزایش یا کاهش زیست‌پذیری تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای دارد و اقتصاد نیز خود نقش بزرگی در تحقق زیست‌پذیری دارد.

به طور کلی جمع بندی یافته های پژوهش حاضر در ارتباط با نقش مقاوم سازی مسکن در زیست پذیری روستاهای مهرورثیه را در تأییراتی به شرح زیر خلاصه کرد:

افزایش تمایل به ماندگاری در روستا و جلوگیری از مهاجرت به شهرها، احداث مسکن مهندسی ساز با مترائهای محدود برای خانوارهای روستایی، ایجاد آرامش روحی روانی، ارتقاء سطح اجتماعی، ارتقاء امنیت جانی در زمان حوادث غیرقابل پیش بینی از جمله زلزله و ... امکان افزایش ارزش افزوده دارایی شخصی روستاییان، امکان افزایش هم دلی و رشد استعداد های اعضای خانواده ها، رضایت مندی روستاییان، ایجاد اشتغال برای افراد ساکن در روستا، تغییر چهره روستا از بافت فرسوده به معماری نوین.

References

- Bandarabad, A.R. (2010). *The Livability city from basics to meanings*. Azarakhsh Publications, Tehran, Iran. (In Persian)
- Fattahi, A. A. (2010). Measurement of quality of life in rural areas (case study of central part of Delfan city), Ph.D. Treatise in Geography and Rural Planning, Tarbiat Modares University, Tehran. (In Persian)
- GTZ. (2002). Deutsche Gesellschaft für Technische Zusammenarbeit, Disaster Risk Management Working Concept", <http://www.gtz.de>.
- Khorasani, M. A. (2013). Explanation of Resilience of Urban Villages with Quality of Life Approach (Case Study of Varamin County), Ph.D. Treatise in Geography and Rural Planning, Tehran University, Tehran. (In Persian)
- Leby, J. L., & Hashim, A. H. (2010). Liveability Dimensions and Attributes: Their Relative Importance in the Eyes of Neighborhood Residents. *Journal of Construction in Developing Countries*, 15 (1), 67-91.
- Mahdian, F. (2007). The vulnerability of Tehran's buildings against earthquakes and how to reduce vulnerability, Proceedings of the first construction seminar in the capital, Tehran University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Majedi, S.M, Lahsaie Zadeh, A. (2006). Investigating the Relationship between Land Variables, Social Capital and Satisfaction with Quality of Life: A Case Study in Fars Villages. *Journal of Rural and Development*, 9 (4), 91-135. (In Persian)
- Moini, M. (2008). Study of the formation of housing in nomadic refreshments. *Magazine Fine Arts*, Tehran. (In Persian)
- Norris, T., Pittman, M. (2000). *The health community's movement and the coalition for healthier cities and communities*. Public Health Reports 115, pp 118-124.
- Oxford Advance Learner Dictionary. (2005). Oxford University Press, Seventh edition.
- Parishan, m. (2011). Reduction of natural hazards vulnerability (earthquake) using risk management approach (case study: rural areas of Qazvin province), Ph.D. Treatise in Geography and Rural Planning, Tarbiat Modares University, Tehran. (In Persian)
- Perogordo, M., D. (2007). *The Silesia Megapolis*, European Spatial Planning.
- Red, C. (2001). *Word Disaster Report*, Red Crescent Publication.
- Saghafi, M. J. (2005). Pathology of Building, Damage Caused by Implementation and Supervision in Damaged Buildings from the Bam Earthquake in 2003. *Magazine Fine Arts*, 9, 43-52. (In Persian)
- Samaddar, S., & Okada, N. (2006). Participatory Approach for Post- Earthquake Reconstruction in the Villages of Kachehh, India, annuals of Disaster. Prev. Res. Inst., Kyoto Univercity, No. 49 B.
- UNDP. (1979). Disaster mitigation Disaster management training program. Office of the united nations disaster relief coordinator.
- Wheeler, S. M. (2001). Livable communities: Creating safe and livable neighborhoods, towns and regions in California, (Working Paper 2001-2004). Berkeley: Institute of Urban and Regional Development, University of California. <http://www.iurd.ced.berkeley.edu/pub/wp-2001-04>.

Yasuri, M., Emami, S. F. (2014). Role of Mortgage in Raising Housing in Rural Settlements in Guilan Province. *Journal of Human Settlement Planning Studies*, 29, 31-46. (In Persian)

How to cite this article:

R. Eftekhari, A., Lotfi Mehrooyeh, H., Pourtaheri, M. and Talebifard, R. (2018). The Role of Retrofitting Rural Housing in Livability of Villages Case Study: Rural District Mehrooyeh. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 13 (3), 543-556. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_545182_en.html

The Role of Retrofitting Rural Housing in Livability of Villages Case Study: Rural District Mehrooyeh

Abdoreza R. Eftekhari

Professor, Dep. of Geography and Rural Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Habib Lotfi Mehrooyeh

PhD. Candidate in Geography and Rural Planning, Sistan & Baloochestan University, Sistan & Baloochestan, Iran

Mehdi Pourtaheri

Associate Professor Dep. of Geography and Rural Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Reza Talebifard*

PhD. Candidate in Geography and Rural Planning, Tabriz University, Tabriz, Iran

Received: 07/12/2016

Accepted: 22/10/2018

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The rural community from the past has always faced with problems such as population decline, poor housing, insecure housing, poor sanitation, and the exclusion of a variety of welfare services and infrastructure, which comes from the neglect of the countryside and the issue of Livability. In addition, villages are one of the most important backbones of cities and the life of cities depends on the survival of villages. The results of field observations and field surveys in the Mehroyeh village show that in view of the location of this rural in the deprived areas of the country, there is a low level of developmental indicators and, on the other hand, the occurrence of periodic droughts The economy has faced a recession. Most of the villages in this village are faced with immigration due to problems caused by natural disasters and low incomes, poor housing and low health indices. In recent years, with the implementation of rural housing renovation and renovation projects, a large number of villagers have received refurbishment and renovation facilities and resilient housing due to their lack of housing or old housing and the destruction of their residential units. In this framework and in connection with the rehabilitation of housing with the Livability of villages, it can be said that Livability includes three main dimensions of a vibrant society, a healthy economy and a sustainable environment. Housing rehabilitation is one of the biomass indicators of villages. Planning and efficient management is necessary to increase its positive effects and reduce negative effects in rural communities. This requires coordinated planning to ensure that housing rehabilitation is a way of achieving the vitality of the villages. With this description, the present study aims to investigate the role of rural housing rehabilitation in the village of Mehroyeh in rural biomass and to answer the main question, which is "what is the role of rural housing rehabilitation in rural Livability?".

Methodology

The research is applied in terms of purpose, descriptive-analytical method and nature, and for collecting information, library and field studies (questionnaires) have been used. The spatial domain and the population of the statistical sample of households in the lower Mehroyeh villages, Moghadb, Baluchabad, Talmba Ashayeri Mohammadi Sarlak and Goldales are from the central functions of the Faryab city (Mehroyeh region). According to the census data of

* Corresponding Author:

Email: r.talebifard@tabrizu.ac.ir

1390, this rural district has 1797 households and 7412 inhabitants. It should be noted that selected villages were selected based on population, distance to central city and extent of rehabilitation, and 251 households who had rehabilitated their housing were selected as the sample population using the Cochran formula. The reliability level of the questionnaire was 0.813 with the Cronbach's alpha method, which indicates the confidence coefficient. Data were analyzed using SPSS software and Kramerz correlation coefficient and single-regression regression.

Results and Discussion

The results of his Kramerz correlation test showed that there is a significant correlation between housing retention in the components of Livability (economic and social). Here, the highest intensity between housing rehabilitation and social biomass is related to the index of residential floor construction that is 24/7 and the lowest lifetime of residential unit is 374/0. In the correlation analysis between housing rehabilitation and economic viability, the highest intensity was related to anti-earthquake facilities with 0/547 and the least intensity related to the structure of the residential unit is 0.244. The results of multivariate regression also showed that the correlation coefficient (R) between variables is 726/0, which shows that there is a high correlation between independent and dependent variables. But the finalized correction coefficient is 525. Indicates that 52.5% of the total changes in social (economic, social) viability in this research depend on the independent variable entered in this model; in other words, about 52.5% of the variance of the dependent variable is met by the independent variable and also the results of Anova test showed a significant relationship between the research variables. Finally, the general results of the regression test based on the beta (Beta) coefficient show that the retention coefficient of the housing with a regression coefficient of 0.726 has a significant effect on the Livability (social and economic). Totally, due to the significance of the regression coefficient and the explanation of changes in the dependent variable by the independent variable, the housing rehabilitation has played a role in the socioeconomic (economic and social) of the Mahrooyeh district and the significance of the test (F) confirms this.

Conclusion

In recent years, with the implementation of rural renovation and renovation projects, a large number of villagers have started to renovate and renovate their homes due to their old housing stock and the destruction of their residential units. With the provision of housing facilities by rural households and construction prosperity, as well as employment in the housing sector, a proportion of the population surveyed turned to housing-related occupations and resulted in the survival and employment of the population in the villages studied. Therefore, the results of this study indicate that retrofitting has increased the Livability of the meadow forest and have impacts such as increasing the willingness to survive in the village and preventing migration to cities, the construction of limited-size housing engineering for rural households, mental health, social upgrading, and the promotion of human security during unforeseen incidents including earthquakes. In addition, it is possible to increase the value of the personal assets of the villagers, increase empathy and the growth of talents of family members, the satisfaction of villagers, the creation of employment for people in the village, changing the face of the village from the old texture to the new architecture and so on among other things.

Key words: Rural housing, Livability, Retrofitting, Village Mehrooyeh